

فارسی چهارم

درس ۱۶

پرسشگری



درس شانزدهم
پرسشگری

امم کیا حج رفت کرده اید که گوش آدم ها شبیه «علامت سوال»
مشکل هزاران جواب است. یکی به دنبال موجودات عجیب
است و می خواهد بداند آنها وجود دارند یا نه و اگر وجود دارند
نشد و چه شکلی هستند. دیگری می خواهد بداند چرا زمین گرد
ردی زمین نیز نمی خوریم و در آسمان معلق نمی مانیم؟ یک نفر

۱۲۶

تا

۱۲۴

صفحه



نمی دانم آیا هیچ دقت کرده اید که گوش آدم ها شبیه «علامت سؤال» است؟ کوی منتظر هزاران جواب است. یکی به دنبال موجودات عجیب و غریب فضایی است و می خواهد بداند آنها وجود دارند یا نه و اگر وجود دارند در کجا زندگی می کنند و چه شکلی هستند. دیگری می خواهد بداند چرا زمین گرد است. چرا از روی زمین لیز نمی خوریم و در آسمان معلق نمی مانیم؟ یک نفر معلق : آویزان



می خواهد بداند چرا خورشید آرد، بالا استاده است و نمی افتد. یکی هم دوست دارد بداند
فلان: اشاره به شخص نامعلوم
چرا قهرمان فلان داستان، قوی و باهوش است و چگونه می توان مثل او شد. خلاصه،
هزاران سؤال وجود دارد که در مغزمان می چرخد و می چرخد.
سؤال بعضی ها، همین طور به گوش آنها آویزان می ماند؛ مثل یک گوشواره. بعد هم،
یک مرتبه می افتد و گم می شود. پس در دنیا، هزاران سؤال پرسیده نشده و گم شده وجود
دارد؛ ولی دانشمندان، پژوهشگران و بسیاری دیگر، همواره به دنبال پرسش های خود
می روند و آن قدر می گردند تا پاسخ آنها را پیدا کنند.

می روند و آن قدر می گردند تا پاسخ آنها را پیدا کنند.

دانش اندوزی : علم آموزی

یکی از این دانشمندان که همیشه تشنه یادگیری و دانش اندوز بود، ابوریحان بیرونی
فیلسوفان : دانشمندان

است. او یکی از بزرگ ترین ریاضی دانان و فیلسوفان ایرانی است که کتاب های

زیادی درباره مسائل گوناگون نوشت. همه زندگی

سپری شد : گذشت

ابوریحان در راه گسترش و رشد علم و دانش سپری شد. این
همواره : همیشه

دانشمند بزرگ همواره در جست و جوی علت اتفاقاتی بود که

در اطرافش روی می داد. او به کشف چیزهای ناشناخته،



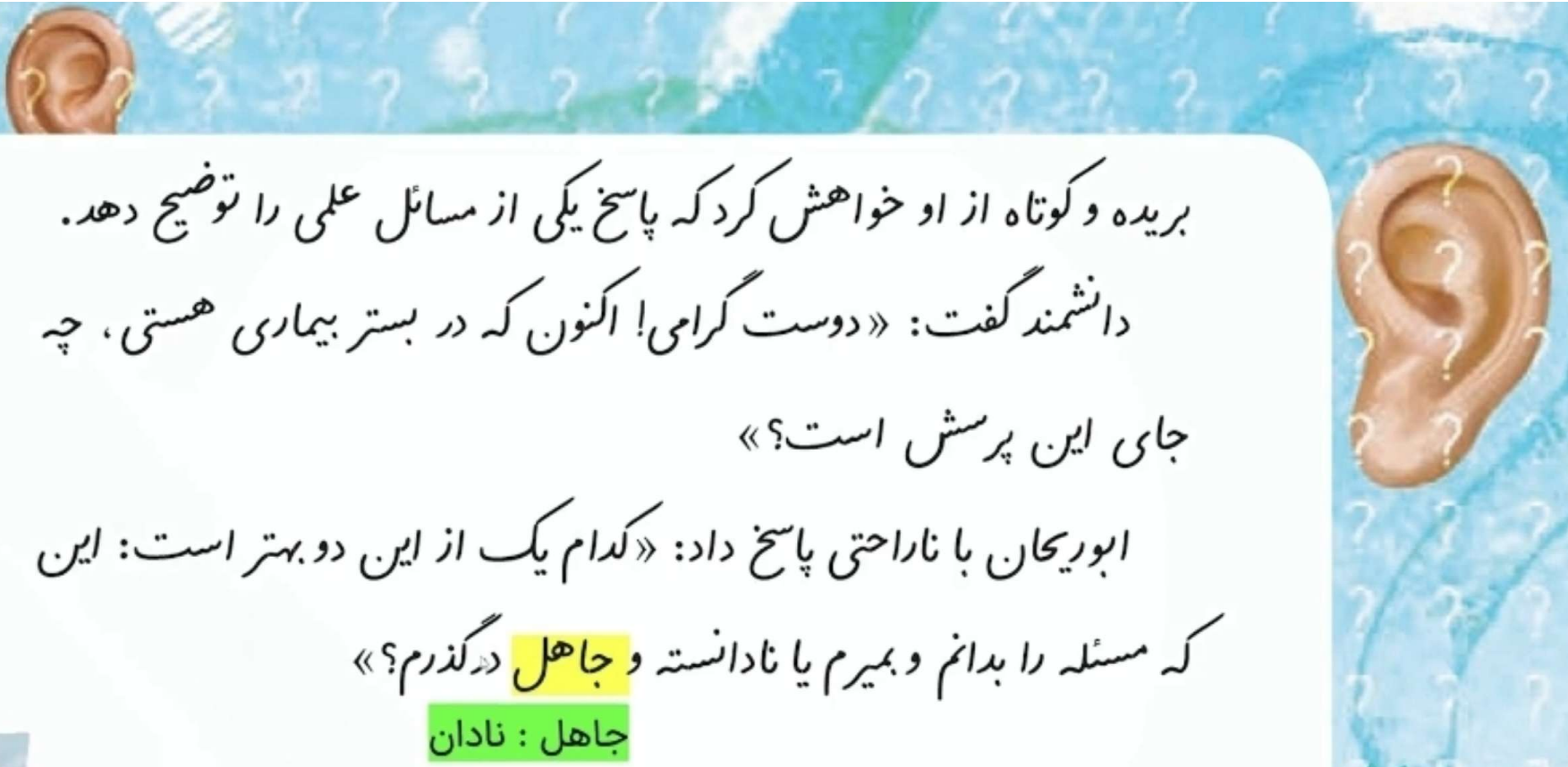


زیادی درباره‌ی مسائل گوناگون نوشت. همه‌ی زندگی
ابوریحان در راه گسترش و رشد علم و دانش سپری شد. این
دانشمند بزرگ همواره در جست‌وجوی علت اتفاقاتی بود که
در اطرافش روی می‌داد. او به کشف چیزهای ناشناخته،
علاقه‌ی بسیار داشت و از نادانی و جهل، گریزان بود.

هنگامی که سال‌های عمر او به هفتاد و هشت رسید و در

واپسین: آخرین، پایانی
بستر بیماری، واپسین: نقطه‌های زندگی را می‌گذرانید، دوستی
بالین: کنار

دانشمند برای احوال‌پرسی بر بالینش آمد. ابوریحان با همان حالت بیماری با کلمه‌هایی



بریده و کوتاه از او خواهش کرد که پاسخ یکی از مسائل علمی را توضیح دهد.
دانشمند گفت: «دوست گرامی! اکنون که در بستر بیماری هستی، چه
جای این پرسش است؟»

ابوریحان با ناراحتی پاسخ داد: «کدام یک از این دو بهتر است: این
که مسئله را بدانم و بمیرم یا نادانسته و جاهل بگذرم؟»
جاهل: نادان